

اثر سطوح روی، همزیستی میکوریز آربوسکولار و دو نوع ماده آلی بر رشد و جذب عناصر غذایی کم‌مصرف گیاه ذرت در یک خاک آهکی

لیلا غلامی^{۱*}، جعفر یثربی^۱، نجفعلی کریمیان^۱، مهدی زارعی^۱ و عبدالمجید رونقی^۱

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۳۰)

چکیده

به منظور مطالعه اثر سطوح روی، همزیستی میکوریز آربوسکولار و ماده آلی بر رشد و جذب عناصر غذایی کم‌مصرف گیاه ذرت در یک خاک آهکی، آزمایشی گلخانه‌ای به صورت فاکتوریل در قالب طرح کاملاً تصادفی با سه تکرار اجرا گردید. در این آزمایش، روی در سه سطح (صفر، ۵ و ۱۰ میلی‌گرم روی در کیلوگرم خاک)، دو نوع ماده آلی (کود گوسفندی و کمپوست زباله شهری، هر یک در دو سطح صفر و ۱٪ وزنی) و قارچ در دو سطح (بدون قارچ و مایه‌زنی با قارچ *Glomus intraradices*) به خاک افزوده شدند. پس از گذشت ۸ هفته، گیاهان برداشت شده و جهت انجام تجزیه شیمیایی به کار رفتند. ریشه‌ها جهت تعیین درصد کلونیزاسیون ریشه مورد آزمایش قرار گرفتند. نتایج نشان داد که با افزایش سطح روی مصرفی، میزان ماده خشک، درصد کلونیزاسیون ریشه، جذب کل روی و مس افزایش، و جذب کل آهن و منگنز گیاه ذرت کاهش یافت. همزیستی قارچ میکوریز آربوسکولار با گیاه ذرت سبب افزایش ماده خشک، درصد کلونیزاسیون ریشه و جذب کل روی، آهن، منگنز و مس گردید. کاربرد هر دو نوع ماده آلی سبب افزایش میزان ماده خشک، درصد کلونیزاسیون ریشه و جذب کل روی، آهن، منگنز و مس گیاه ذرت گردید.

واژه‌های کلیدی: عناصر کم‌مصرف، میکوریز آربوسکولار، ماده آلی، ذرت

مقدمه

یکی از راه‌های دستیابی به اهداف کشاورزی پایدار، استفاده از ریزجاندارانی است که نقش مهمی در تأمین نیاز غذایی بشر دارند (۱۵). میکوریز یک رابطه متقابل بین قارچ و ریشه گیاه می‌باشد (۴۰). در اکثر موارد، تلقیح ریشه گیاهان با قارچ‌های میکوریزی منجر به افزایش رشد گیاه می‌گردد (۳۶). گیاهانی که دارای همزیستی میکوریزی می‌باشند به دلیل آنکه عناصر غذایی و آب بیشتری از خاک جذب می‌نمایند دارای رشد بهتر و عملکرد بیشتری بوده و مقاومت بیشتری در برابر تنش‌های زنده (عوامل بیماری‌زا) و غیر زنده (خشکی، سرما و شوری) از خود

نشان می‌دهند (۳۸).

در شرایطی که غلظت عناصر قابل دسترس گیاه کم باشد ریشه‌های دارای همزیستی میکوریزی ممکن است میزان بیشتری از عناصر پرمصرف و کم‌مصرف نسبتاً کم‌تحرک را جذب نمایند (۳۷). کلارک و زتو (۱۰) در بررسی همزیستی میکوریزی (*Mycorrhizae*) با گیاه ذرت در یک خاک آهکی نشان دادند که همزیستی میکوریزی سبب افزایش جذب آهن شده است. رایان و انگوس (۲۹) در یک آزمایش صحرایی نشان دادند که مایه‌زنی ریشه گندم با قارچ *Glomus intraradices* موجب افزایش جذب روی توسط گندم شده

۱. بخش علوم خاک، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز

*: مسئول مکاتبات، پست الکترونیکی: Leila.gholami63@gmail.com

است. میرانصاری مهابادی و همکاران (۴) نشان دادند که همزیستی میکوریز آربوسکولار سبب افزایش روی در گیاه ذرت گردیده و یافته‌های آنان با پژوهش‌های چن و همکاران (۹) هماهنگ می‌باشد. روی یک عنصر ضروری کم‌مصرف برای انسان، حیوان و گیاهان عالی می‌باشد (۱۷). کمبود روی در خاک‌های آهکی گزارش شده است. روی بر خلاف سایر عناصر غذایی کم‌مصرف که دارای بیش از یک ظرفیت هستند، فقط به صورت دو ظرفیتی (Zn^{2+}) وجود داشته و عمدتاً به این صورت توسط گیاه جذب می‌شود. ولی در پ‌هاش قلیایی، احتمالاً به صورت $Zn(OH)^+$ نیز جذب می‌شود (۲۲). کمبود روی یکی از معمول‌ترین کمبودهای عناصر غذایی کم‌مصرف در گیاه است (۲۸). برخی گیاهان، از جمله ذرت (*Zea mays* L.) به کمبود روی حساس هستند (۳۹). بنابراین، کاربرد روی می‌تواند در افزایش عملکرد آن مؤثر باشد (۱۳، ۳۲ و ۳۵).

روی با مواد آلی خاک ترکیب می‌شود و کمپلکس‌های آلی روی را که ممکن است محلول و یا غیر محلول باشند تشکیل می‌دهد (۲۱). یکی از مهم‌ترین مشکلات در خاک‌های مناطق خشک و نیمه‌خشک، کمبود مواد آلی خاک است (۱۴). برای حفظ سطح حاصل‌خیزی و قدرت تولید یک خاک، میزان ماده آلی آن باید در سطح مناسبی حفظ شود (۵).

تأمین عناصر غذایی مورد نیاز گیاهان با استفاده از کودهای آلی نقش کلیدی در حاصل‌خیزی خاک و تولید گیاهان زراعی دارد (۶). ارزش کودی پسمان‌های مواد آلی مانند کودهای حیوانی، کمپوست و لجن فاضلاب در تحقیقات مختلف در بسیاری از کشورها نشان داده شده است. (۳، ۲۵ و ۴۱). در سال‌های اخیر، به منظور کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی، توجه زیادی به بازیافت زباله و به‌کارگیری کمپوست حاصل از آن در اراضی کشاورزی شده است (۱۸). روزانه هزاران تن زباله شهری و ضایعات کشاورزی در ایران تولید می‌شود و اگر این مواد به حال خود رها گردند سبب آلودگی محیط‌زیست می‌شوند. با تبدیل ضایعات آلی به

کمپوست، ضمن جلوگیری از آلودگی محیط‌زیست، می‌توان ماده آلی را در خاک‌های کشور افزایش داد (۱۶). کمپوست ضایعات شهری دارای عناصر کم‌مصرف هستند که می‌توانند مورد استفاده گیاه قرار گیرند (۱). رحیمی (۲) نشان داد که کاربرد کمپوست زباله اصفهان سبب افزایش قابلیت جذب عناصر روی، مس، آهن و منگنز در خاک شده و غلظت عناصر مذکور در گیاه ذرت را نیز افزایش می‌دهد. مصرف کودهای دامی علاوه بر این که باعث بهبود وضعیت فیزیکی خاک می‌شود دارای عناصر غذایی کم‌مصرف نظیر آهن، روی و مس می‌باشد که در نتیجه تجزیه میکروبی کود حیوانی این عناصر غذایی به صورت معدنی و قابل جذب در اختیار گیاه قرار می‌گیرند (۸ و ۳۳). شارما و ساکسنا (۳۱) بیان کردند که تجزیه میکروبی کودهای دامی باعث افزایش حلالیت عناصر کم‌مصرف، مانند روی و آهن، می‌شود. با توجه به مطالب یاد شده، این پژوهش با هدف بررسی اثر سطوح روی، همزیستی قارچ میکوریز آربوسکولار و ماده آلی بر رشد و جذب روی، آهن، منگنز و مس در گیاه ذرت انجام شد.

مواد و روش‌ها

جهت انجام این آزمایش، مقدار مناسبی خاک از افق سطحی (صفر تا ۲۰ سانتی‌متر) سری چیتگر، که در ۹ کیلومتری جنوب شرقی روستای نظر آباد شهرستان سروستان استان فارس واقع است، جمع‌آوری گردید. این خاک از نوع Calcic brown soil بوده و نام آن طبق سیستم جدید طبقه بندی خاک Fine loamy, carbonatic, thermic, Typic Calcixerepts می‌باشد (۳۴). پس از هواخشک کردن و عبور از الک ۲ میلی‌متری، برخی ویژگی‌های فیزیکی و شیمیایی خاک اندازه‌گیری شد (جدول ۱).

نمونه‌های ماده آلی از دو منبع مختلف، شامل کمپوست زباله اصفهان و کود گوسفندی، انتخاب شدند. برخی ویژگی‌های مواد آلی مورد استفاده در جدول ۲ نشان داده شده است. آزمایش به صورت فاکتوریل در قالب طرح کاملاً تصادفی

جدول ۱. برخی ویژگی‌های فیزیکی و شیمیایی خاک مورد آزمایش

لوم	بافت
۷/۹	پ‌هاش (خمیر اشباع)
۱/۲	ماده آلی (%)
۴۵/۲	کربنات کلسیم معادل (%)
۰/۵	قابلیت هدایت الکتریکی در عصاره اشباع (دسی‌زیمنس بر متر)
۱۰/۲	ظرفیت تبادل کاتیونی (سانتی‌مول بار در کیلوگرم خاک)
۵/۴	فسفر قابل استخراج با بی‌کربنات سدیم (میلی‌گرم در کیلوگرم خاک)
۱/۰۶	مس قابل استخراج با دی. تی. پی. ا (میلی‌گرم در کیلوگرم خاک)
۰/۷۱	روی قابل استخراج با دی. تی. پی. ا (میلی‌گرم در کیلوگرم خاک)
۴/۳۰	منگنز قابل استخراج با دی. تی. پی. ا (میلی‌گرم در کیلوگرم خاک)
۶/۴۹	آهن قابل استخراج با دی. تی. پی. ا (میلی‌گرم در کیلوگرم خاک)

جدول ۲. برخی ویژگی‌های مواد آلی مورد استفاده

مواد آلی مورد استفاده		ویژگی‌های اندازه‌گیری شده
کود گوسفندی	کمپوست زباله اصفهان	
۷/۵	۷/۳	پ‌هاش (عصاره ۱:۵ ماده آلی به آب)
۱۷	۶/۱	قابلیت هدایت الکتریکی (دسی‌زیمنس بر متر)
۲۰۳۴	۱۱۳۷	آهن کل (میلی‌گرم در کیلوگرم ماده خشک)
۲۶۱	۱۷۱	منگنز کل (میلی‌گرم در کیلوگرم ماده خشک)
۲۷	۱۶/۲	مس کل (میلی‌گرم در کیلوگرم ماده خشک)
۱۲۲	۷۱۶	روی کل (میلی‌گرم در کیلوگرم ماده خشک)

عناصر غذایی، بجز نیتروژن، بر اساس نتایج آزمون خاک به گلدان‌ها افزوده شد. پس از خشک شدن، خاک درون کیسه‌های پلاستیکی کاملاً مخلوط و به گلدان‌های دو کیلوگرمی انتقال داده شد. رطوبت خاک با آب مقطر به حد ظرفیت مزرعه رسانده شد. برای انجام واکنش‌های لازم، نمونه‌های خاک تیمار شده به مدت ۳۰ روز در دمای حدود ۲۵ درجه سلسیوس نگهداری شدند. محلول نیتروژن از منبع اوره، $\text{CO}(\text{NH}_2)_2$ ، در سه مرحله، هر مرحله به میزان 50 mg/kg به گلدان‌ها افزوده شد.

در هر گلدان، مقداری از خاک سطحی (۵-۱ سانتی‌متری) برداشته شد. در تیمارهای قارچ، ۵۰ گرم از زادمایه (مایه تلقیح)

با سه سطح روی (صفر، ۵ و ۱۰ میلی‌گرم روی در کیلوگرم خاک) از منبع سولفات روی ($\text{ZnSO}_4 \cdot 7\text{H}_2\text{O}$)، دو نوع ماده آلی (کود گوسفندی و کمپوست زباله اصفهان) هر یک در دو سطح صفر و ۱٪ وزنی و قارچ در دو سطح (بدون قارچ و با قارچ *Glomus intraradices*) در سه تکرار اجرا شد.

در آغاز، نمونه‌های دو کیلوگرمی از خاک هواخشک که از الک دو میلی‌متری عبور داده شده درون کیسه‌های پلاستیکی ریخته و سپس ماده آلی (کود گوسفندی و کمپوست زباله اصفهان) در دو سطح صفر و ۱٪ وزنی به گلدان‌ها اضافه شد. بعد از این مرحله، روی در سه سطح (صفر، ۵ و ۱۰ میلی‌گرم روی در کیلوگرم خاک) و سایر

جدول ۳. اثر سطوح روی، قارچ میکوریز آربوسکولار و مواد آلی بر میانگین ماده خشک گیاه ذرت (گرم در گلدان)

میانگین	روی کاربردی (میلی گرم در کیلوگرم خاک)			مواد آلی
	۱۰	۵	۰	
بدون قارچ				
۲۲/۷۰E	۲۵/۶۸ghi	۲۳/۱۸I	۱۹/۲۲n*	شاهد
۲۷/۹۴B	۳۱/۶۷b	۲۷/۳۳de	۲۴/۸۳ij	کمپوست زیاله شهری
۲۶/۳۴C	۲۹/۱۸c	۲۶/۳۲fgh	۲۳/۵۱I	کود گوسفندی
۲۵/۶۶B	۲۸/۸۴B	۲۵/۶۱D	۲۲/۵۲F	میانگین
با قارچ				
۲۴/۱۴D	۲۶/۶۸ef	۲۴/۴۳jk	۲۱/۳۳m	شاهد
۲۹/۶۰A	۳۳/۱۴a	۲۹/۲۴c	۲۶/۴۱fg	کمپوست زیاله شهری
۲۸/۰۹B	۳۱/۱۶b	۲۸/۰۵d	۲۵/۰۶ij	کود گوسفندی
۲۷/۲۸A	۳۰/۳۲A	۲۷/۲۴C	۲۴/۲۶E	میانگین

* اعدادی که در هر ستون یا ردیف، در یک حرف بزرگ و یا در متن جدول در یک حرف کوچک مشترک هستند از لحاظ آماری با آزمون دانکن در سطح ۵٪ دارای اختلاف معنی‌دار نیستند.

نرمال غلظت عناصر کم مصرف آن به وسیله دستگاه جذب اتمی مدل شیمادزو AA۶۷۰- اندازه گیری شد. همچنین، ریشه‌ها از گلدان‌ها جدا شدند و بعد از شستشو جهت تعیین درصد کلونیزاسیون ریشه با روش کورومانیک و مک‌گراو (۱۹) مورد آزمایش قرار گرفتند. میانگین‌های مربوط به اثرهای اصلی هر یک از عامل‌ها با آزمون دانکن مقایسه گردید.

نتایج و بحث

ماده خشک

مقایسه میانگین‌ها در جدول ۳ نشان می‌دهد که در خاک مایه‌زنی شده با قارچ در هر سه تیمار صفر، ۵ و ۱۰ میلی‌گرم روی در کیلوگرم خاک میانگین ماده خشک به ترتیب ۱/۷۴، ۱/۶۳ و ۱/۴۸ گرم در گلدان معادل ۰/۷۷۲، ۰/۳۶۶ و ۰/۱۳۳ درصد نسبت به تیمار مایه‌زنی نشده با قارچ افزایش یافت. دلیل افزایش ماده خشک در سطح صفر روی با کاربرد قارچ را

قارچ *Glomus intraradices* (۱۲ گرم اسپور در هر گرم بستره و کلونیزاسیون ریشه ۸۰٪) افزوده و با خاک مخلوط شد. در تیمارهای شاهد نیز به مقدار مساوی از بسترهای بدون قارچ تهیه شده استفاده گردید. مقداری از خاک برداشته شده بر سطح زادمایه افزوده و سپس در هر گلدان ۸ عدد بذر گیاه ذرت (*Zea mays* L. رقم *Maxima* قرار داده شد. در ادامه، ۱/۵-۱ سانتی‌متر از خاک باقی مانده روی بذرهای ذرت ریخته شد. بعد از جوانه‌زنی و استقرار گیاهان، تعداد آنها در هر گلدان به ۳ بوته کاهش یافت و در طول دوره رشد، گلدان‌ها با آب مقطر در حد ظرفیت مزرعه نگهداری شدند.

بعد از طی دوره رشد گیاه به مدت ۸ هفته، اندام هوایی گیاه از محل طوقه بریده و با آب مقطر شستشو داده شد تا عاری از آلودگی شود. نمونه‌ها در آون و در دمای ۶۵ درجه سلسیوس خشک، توزین، و در آسیاب برقی پودر شد. سپس یک گرم ماده خشک گیاهی در کوره الکتریکی با دمای ۵۵۰ درجه سلسیوس خاکستر و بعد از حل در اسید کلریدریک ۲

جدول ۴. اثر سطوح روی، قارچ میکوریز آربوسکولار و مواد آلی بر جذب کل روی گیاه ذرت (میکروگرم در گلدان)

میانگین	سطح روی (میلی گرم در کیلوگرم خاک)			مواد آلی
	۱۰	۵	۰	
	بدون قارچ			
۶۵۴/۶F	۱۰۲۷g	۶۰۸m	۳۲۸/۸۰*	شاهد
۱۰۳۴C	۱۵۴۵c	۹۶۹/۷h	۵۸۸/۲m	کمپوست زباله شهری
۸۳۵/۹E	۱۲۵۴e	۷۶۳/۸k	۴۹۰n	کود گوسفندی
۸۴۱/۵B	۱۲۷۵B	۷۸۰/۵D	۴۶۹F	میانگین
	با قارچ			
۸۶۱/۵D	۱۲۳۶e	۸۷۲/۸i	۴۷۵/۸n	شاهد
۱۳۳۹A	۱۸۸۲a	۱۳۱۰d	۸۲۶/۶z	کمپوست زباله شهری
۱۱۴۳B	۱۶۳۲b	۱۱۴۷f	۶۵۰/۷l	کود گوسفندی
۱۱۱۵A	۱۵۸۳A	۱۱۱۰C	۶۵۱/۱E	میانگین

* اعدادی که در هر ستون یا ردیف، در یک حرف بزرگ و یا در متن جدول در یک حرف کوچک مشترک هستند از لحاظ آماری با آزمون دانکن در سطح ۵٪ دارای اختلاف معنی دار نیستند.

باعث افزایش ماده خشک شده است.

می توان به نقش قارچ نسبت داد که در سطح کم روی بهتر عمل کرده و در سطوح بالاتر روی، اثر قارچ کمتر بوده است.

جذب کل روی

مقایسه میانگین ها در جدول ۴ نشان می دهد که در خاک مایه زنی شده با قارچ، میانگین جذب کل روی در تیمارهای ۵ و ۱۰ میلی گرم روی در کیلوگرم خاک به ترتیب ۴۵۸/۹ و ۹۳۱/۹ میکروگرم در گلدان، معادل ۷۰/۴۸ و ۱۴۳/۱۲ درصد، نسبت به سطح صفر روی افزایش یافت. همانگونه که مشاهده می شود، میانگین جذب کل روی در هر سه سطح روی در مقایسه با خاک مایه زنی نشده با قارچ به ترتیب ۱، ۱۸۲/۱، ۳۲۹/۵ و ۳۰۸ میکروگرم در گلدان، معادل ۳۸/۸۲، ۴۲/۲۱ و ۲۴/۱۵ درصد، افزایش معنی دار یافت. محمد و همکاران (۲۳) نتیجه گرفتند که مایه زنی ریشه گندم با قارچ *Glomus intraradices* باعث افزایش جذب روی در این گیاه گردیده است. کاربرد قارچ در تیمار کمپوست زباله شهری سبب افزایش جذب کل روی به میزان ۳۰۵ میکروگرم در گلدان معادل ۲۹/۴۹ درصد نسبت به

افزایش ماده خشک بر اثر کاربرد روی در ذرت توسط رشید و فاکس (۲۷) گزارش شده است. فبر و همکاران (۱۲) در آزمایشی گلخانه ای، به منظور تأثیر رابطه همزیستی میکوریزی بر جذب روی به وسیله گیاه ذرت، نشان دادند که در تیمار مایه زنی شده با قارچ در مقایسه با تیمار شاهد، وزن خشک ساقه در گیاه ذرت افزایش پیدا کرده است. در تیمار مایه زنی شده با قارچ، میانگین ماده خشک در تیمار کمپوست زباله شهری در نمونه حاوی قارچ نسبت به همین تیمار بدون قارچ، افزایش معنی داری برابر ۱/۶۶ گرم در گلدان، معادل ۵/۹ درصد، را نشان می دهد.

کاربرد قارچ در تیمار کود گوسفندی سبب افزایش ماده خشک به میزان ۱/۷۵ گرم در گلدان معادل ۶/۶ درصد نسبت به تیمار بدون قارچ شده است. دلیل این موضوع می تواند بهبود دسترسی و جذب بهتر عناصر غذایی باشد که این امر در نهایت

جدول ۵. اثر سطوح روی، قارچ میکوریز آربوسکولار و مواد آلی بر میانگین جذب کل آهن گیاه ذرت (میکروگرم در گلدان)

میانگین	روی کاربردی (میلی‌گرم در کیلوگرم خاک)			مواد آلی
	۱۰	۵	۰	
بدون قارچ				
۵۰۷/۵F	۴۲۴/۷m	۴۷۹/۳l	۶۱۸/۵ij*	شاهد
۷۶۵D	۶۵۴/۴i	۷۳۶/۹h	۹۰۳/۶e	کمپوست زباله شهری
۸۵۸/۹C	۷۴۸/۷h	۸۶۶/۴f	۹۶۱/۷d	کود گوسفندی
۷۱۰/۵B	۶۰۹/۳F	۶۹۴/۲E	۸۲۷/۹C	میانگین
با قارچ				
۶۶۱/۷E	۵۷۰/۰۱k	۶۲۷/۲ij	۷۸۷/۸g	شاهد
۹۹۷/۳B	۹۱۸/۴e	۹۳۶/۷de	۱۱۳۷b	کمپوست زباله شهری
۱۰۷۵A	۹۲۰/۹e	۱۰۹۹c	۱۲۰۵a	کود گوسفندی
۹۱۱/۳A	۸۰۳/۱D	۸۸۷/۶B	۱۰۴۳A	میانگین

* اعدادی که در هر ستون یا ردیف، در یک حرف بزرگ و یا در متن جدول در یک حرف کوچک مشترک هستند از لحاظ آماری با آزمون دانکن در سطح ۵٪ دارای اختلاف معنی‌دار نیستند.

آهن می‌تواند بر اثر برهمکنش روی با آهن باشد. کاهش غلظت آهن با کاربرد روی، به‌ویژه در سطوح زیاد، توسط گندم گزارش شده است (۳۰).

در مقایسه با خاک مایه‌زنی نشده با قارچ در هر سه تیمار روی مصرفی، میانگین جذب کل آهن به ترتیب ۲۱۵/۱، ۱۹۳/۴ و ۱۹۳/۸ میکروگرم در گلدان، معادل ۲۶، ۲۷/۹ و ۳۱/۸ درصد نسبت به تیمار مایه‌زنی نشده با قارچ افزایش یافت. کریس و همکاران (۷) دریافته‌اند که قارچ‌های میکوریزی *Glomus mosseae* از طریق ترشح انواعی از سیدروفورها و کلاته کردن آهن توانسته‌اند جذب و انتقال آهن در گیاهان بادام زمینی و سورگوم را افزایش دهند.

کاربرد میکوریز در تیمار کمپوست زباله شهری سبب افزایش معنی‌دار ۲۳۲/۳ میکروگرم در گلدان، معادل ۳۰/۴ درصد جذب کل آهن نسبت به تیمار بدون قارچ شده است. کاربرد میکوریز در تیمار کود گوسفندی سبب افزایش معنی‌دار ۲۱۶/۱ میکروگرم در گلدان جذب کل آهن، معادل ۲۵/۲ درصد جذب کل آهن نسبت به تیمار بدون قارچ، شده است. با مقایسه

تیمار بدون قارچ شده است که می‌توان بیان کرد جذب روی بر اثر توانایی قارچ در تولید انبوه هیف و گسترش مناسب آن در خاک افزایش یافته است. همانگونه که مشاهده می‌شود، کاربرد قارچ در تیمار کود گوسفندی سبب افزایش جذب کل روی به میزان ۳۰۷/۱ میکروگرم در گلدان، معادل ۳۶/۷۳ درصد نسبت به تیمار بدون قارچ، شده است. مقایسه میانگین‌ها در تمام تیمارها نشان می‌دهد که جذب کل روی از ۸۴۱/۵ میکروگرم در نمونه بدون قارچ به ۱۱۱۵ میکروگرم در گلدان در نمونه حاوی قارچ رسیده، که افزایش معنی‌دار ۳۲/۵ درصدی را به همراه داشته است.

جذب کل آهن

مقایسه میانگین‌ها در جدول ۵ نشان می‌دهد که در خاک مایه‌زنی شده با قارچ، میانگین جذب کل آهن گیاه ذرت در تیمارهای ۵ و ۱۰ میلی‌گرم روی در کیلوگرم خاک به ترتیب ۲۳۹/۹ و ۱۵۵/۴ میکروگرم در گلدان، معادل ۱۴/۹ و ۲۳ درصد نسبت به سطح صفر روی مصرفی کاهش یافت. کاهش جذب

جدول ۶. اثر سطوح روی، قارچ میکوریز آربوسکولار و مواد آلی بر میانگین جذب کل منگنز گیاه ذرت (میکروگرم در گلدان)

میانگین	روی کاربردی (میلی گرم در کیلوگرم خاک)			مواد آلی
	۱۰	۵	۰	
بدون قارچ				
۵۱۶/۲F	۴۸۵/۹j	۵۴۰/۱i	۵۲۲/۶i*	شاهد
۷۱۲/۸D	۶۶۷/۲g	۷۰۳/۸fg	۷۶۷/۴e	کمپوست زباله شهری
۷۷۶/۲C	۷۳۲/۷f	۷۷۹/۱e	۸۱۶/۸d	کود گوسفندی
۶۶۸/۴B	۶۲۸/۶E	۶۷۴/۳D	۷۰۲/۲C	میانگین
با قارچ				
۶۶۷E	۶۲۳/۴h	۶۸۷/۷g	۶۸۹/۹g	شاهد
۹۱۵/۷B	۸۴۰/۹d	۹۳۹/۹bc	۹۶۶/۳b	کمپوست زباله شهری
۹۹۶/۹A	۹۲۵/۹c	۱۰۲۳a	۱۰۴۲a	کود گوسفندی
۸۵۹/۹A	۷۹۶/۷B	۸۸۳/۵A	۸۹۹/۴A	میانگین

* اعدادی که در هر ستون یا ردیف، در یک حرف بزرگ و یا در متن جدول در یک حرف کوچک مشترک هستند از لحاظ آماری با آزمون دانکن در سطح ۵٪ دارای اختلاف معنی دار نیستند.

وقتی که ۱۰ میلی گرم روی به کار برده شد به طور معنی داری کاهش یافت. در مقایسه با خاک مایه زنی نشده با قارچ، در هر سه تیمار روی مصرفی افزایش معنی داری در میانگین جذب کل منگنز نسبت به خاک مایه زنی نشده با قارچ به ترتیب برابر ۱۹۷/۲، ۲۰۹/۲ و ۱۶۸/۱ میکروگرم در گلدان، معادل ۲۸/۱، ۳۱ و ۲۶/۸ درصد، مشاهده شد. کلارک و زتو (۱۱) بیان کردند که همزیستی میکوریز آربوسکولار باعث افزایش جذب منگنز در گیاهان میزبان شده است. علت افزایش جذب منگنز ممکن است هیف های میکوریز باشد که در حجم بیشتری از خاک رشد می نمایند و در نتیجه به منابع بیشتری از عنصر غذایی در خاک دسترسی می یابند. در اثر کاربرد میکوریز در تیمار کمپوست زباله شهری، دیده می شود که وجود قارچ سبب افزایش معنی داری برابر ۲۰۲/۹ میکروگرم در گلدان در جذب کل منگنز، معادل ۲۸/۵ درصد نسبت به تیمار بدون قارچ شده است. کاربرد میکوریز در تیمار کود گوسفندی سبب افزایش جذب کل منگنز از ۷۷۶/۲

میانگین جذب کل آهن در تمام تیمارها مشاهده می شود که کاربرد میکوریز، جذب کل آهن را از ۷۱۰/۵ به ۹۱۱/۳ میکروگرم در گلدان رسانده است که افزایش معنی دار ۲۸/۳ درصد را نشان می دهد.

جذب کل منگنز

مقایسه میانگین ها در جدول ۶ نشان می دهد که در خاک مایه زنی شده با قارچ، میانگین جذب کل منگنز گیاه ذرت در تیمارهای ۵ و ۱۰ میلی گرم روی در کیلوگرم خاک به ترتیب ۱۵/۹ و ۱۰۲/۷ میکروگرم در گلدان، معادل ۱/۸ و ۱۱/۴۱ درصد نسبت به سطح صفر روی مصرفی کاهش یافت. کاهش جذب منگنز می تواند بر اثر برهمکنش روی با منگنز باشد. کاهش غلظت منگنز در سطوح زیاد روی در ذرت، گندم و برنج توسط نایار و بنسال (۲۴) گزارش شده است. پاتیل و دانگاروالا (۲۶) نشان داد که جذب منگنز به وسیله برنج تحت تأثیر مصرف ۵ میلی گرم روی قرار نگرفت. ولی

جدول ۷. اثر قارچ میکوریز آربوسکولار، مواد آلی مختلف و سطوح روی مصرفی بر میانگین جذب کل مس گیاه ذرت (میکروگرم در گرم ماده خشک)

میانگین	روی کاربردی (میلی‌گرم در کیلوگرم خاک)			مواد آلی
	۱۰	۵	۰	
بدون قارچ				
۲۵۶F	۲۳۲n	۲۵۸/۹m	۲۷۷/۱۱*	شاهد
۳۸۶/۵D	۳۴۹/۹z	۳۸۸h	۴۲۱/۵g	کمپوست زباله شهری
۴۵۴/۱C	۴۰۶/۹g	۴۷۹/۲f	۴۷۶/۲f	کود گوسفندی
۳۶۵/۶B	۳۲۹/۶F	۳۷۵/۴E	۳۹۱/۶D	میانگین
با قارچ				
۳۴۵/۵E	۳۱۸k	۳۴۸/۱z	۳۷۰/۵i	شاهد
۶۲۴/۵B	۶۷۶/۷c	۶۸۹/۳bc	۵۰۷/۵e	کمپوست زباله شهری
۶۹۰A	۸۳۸/۲a	۶۹۸/۱b	۵۳۳/۸d	کود گوسفندی
۵۵۳/۳A	۶۱۰/۹A	۵۷۸/۵B	۴۷۰/۶C	میانگین

* اعدادی که در هر ستون یا ردیف، در یک حرف بزرگ و یا در متن جدول در یک حرف کوچک مشترک هستند از لحاظ آماری با آزمون دانکن در سطح ۵٪ دارای اختلاف معنی‌دار نیستند.

جذب مواد معدنی، مخصوصاً مواد معدنی کم تحرک (مس و فسفر)، است. این موضوع می‌تواند نتیجه افزایش قابلیت دسترسی به یون‌ها یا افزایش انتقال آن به گیاه به وسیله هیف قارچی باشد. در مقایسه با خاک مایه‌زنی نشده با قارچ در هر سه تیمار روی مصرفی، افزایش معنی‌داری در میانگین جذب کل مس نسبت به خاک مایه‌زنی نشده با قارچ به ترتیب برابر ۰/۷۹، ۲۰۳/۱ و ۲۸۱/۳ میکروگرم در گلدان، معادل ۰/۲۰، ۵۴/۱ و ۸۵/۳ درصد مشاهده شد.

کاربرد میکوریز در تیمار کمپوست زباله شهری سبب افزایش معنی‌داری برابر با ۲۳۸ میکروگرم در گلدان جذب کل مس، معادل ۶۱/۶ درصد نسبت به تیمار بدون قارچ، شده است. کاربرد میکوریز در تیمار کود گوسفندی سبب افزایش معنی‌دار جذب کل مس برابر با ۲۳۵/۹ میکروگرم در گلدان، معادل ۵۱/۹ درصد نسبت به تیمار بدون قارچ، شده است. با مقایسه میانگین جذب کل مس در تمام تیمارها دیده می‌شود که کاربرد میکوریز

به ۹۹۶/۹ میکروگرم در گلدان، معادل ۲۸/۴ درصد، نسبت به تیمار بدون قارچ شده است. به طور کلی، با مقایسه میانگین جذب کل منگنز در تمام تیمارها دیده می‌شود که کاربرد میکوریز سبب افزایش جذب کل منگنز از ۶۶۸/۴ میکروگرم در گلدان در نمونه بدون قارچ به ۸۵۹/۹ میکروگرم در گلدان در نمونه حاوی قارچ شده که افزایش معنی‌دار ۲۸/۶ درصدی را نشان می‌دهد.

جذب کل مس

مقایسه میانگین‌ها در جدول ۷ نشان می‌دهد که در خاک مایه‌زنی شده با قارچ، میانگین جذب کل مس گیاه ذرت در تیمارهای ۵ و ۱۰ میلی‌گرم روی در کیلوگرم خاک به ترتیب ۱۰۷/۹ و ۱۴۰/۳ میکروگرم در گلدان، معادل ۲۲/۹ و ۲۹/۸ درصد، نسبت به سطح صفر روی مصرفی افزایش یافت. مانکیوسو و ریناندلی (۲۰) نشان دادند که تأثیر قارچ‌های میکوریزی روی رشد گیاه از طریق افزایش

جدول ۸. اثر همزیستی میکوریز آربوسکولار، مواد آلی و سطوح روی بر درصد کلونیزاسیون ریشه گیاه ذرت

میانگین	روی کاربردی (میلی گرم در کیلوگرم خاک)			مواد آلی
	۱۰	۵	۰	
بدون قارچ				
۷/۶۸F	۸/۰۴jkl	۷/۷۷klm	۷/۲۲n*	شاهد
۸/۱۸E	۸/۵۴ij	۸/۲۸jk	۷/۷۲lmn	کمپوست زباله شهری
۹/۳۵D	۹/۶۶h	۹/۴۷h	۸/۹۲i	کود گوسفندی
۸/۴۰B	۸/۷۴D	۸/۵۰D	۷/۹۵E	میانگین
با قارچ				
۷۰/۵۰C	۷۳/۱۹d	۷۰/۶۸f	۶۷/۶۰g	شاهد
۷۵/۷۷B	۷۹/۵۷b	۷۵/۸۴c	۷۱/۸۹e	کمپوست زباله شهری
۷۹/۶۷A	۸۴/۰۷a	۷۹/۵۴b	۷۵/۴۱c	کود گوسفندی
۷۵/۳۱A	۷۸/۹۴A	۷۵/۳۶B	۷۱/۶۳C	میانگین

* اعدادی که در هر ستون یا ردیف، در یک حرف بزرگ و یا در متن جدول در یک حرف کوچک مشترک هستند از لحاظ آماری با آزمون دانکن در سطح ۵٪ دارای اختلاف معنی دار نیستند.

۹ برابری را نشان می‌دهد. اثر همزیستی قارچ میکوریز آربوسکولار با گیاه ذرت در افزایش درصد کلونیزاسیون ریشه به خوبی مشاهده می‌شود.

سبب افزایش جذب کل منگنز از ۳۶۵/۶ میکروگرم در گلدان در نمونه بدون قارچ به ۵۵۳/۳ میکروگرم در گلدان در نمونه حاوی قارچ شده که افزایش معنی دار ۵۱/۳ درصدی را نشان می‌دهد

نتیجه گیری

همزیستی قارچ میکوریز آربوسکولار با گیاه ذرت سبب افزایش ماده خشک، درصد کلونیزاسیون ریشه و جذب کل عناصر (روی، آهن، منگنز و مس) گردید.

با افزایش سطح روی مصرفی تا سطح ۱۰ میلی گرم روی در کیلوگرم خاک در تیمارهای مایه زنی شده با قارچ *Glomus intraradices* جذب عناصر آهن و منگنز کاهش، اما جذب عناصر روی، مس و درصد کلونیزاسیون ریشه افزایش یافت. کاهش عناصر ذکر شده می‌تواند بر اثر برهمکنش روی با عناصر آهن و منگنز باشد.

کاربرد هر دو نوع ماده آلی (کمپوست زباله شهری و کود گوسفندی) سبب افزایش میزان ماده خشک، درصد کلونیزاسیون ریشه و جذب عناصر (روی، آهن، منگنز و مس) گردید.

درصد کلونیزاسیون ریشه

مقایسه میانگین‌ها در جدول ۸ نشان می‌دهد که در خاک مایه زنی شده با قارچ، درصد کلونیزاسیون ریشه در هر سه سطح روی در مقایسه با خاک مایه زنی نشده با قارچ به ترتیب ۶۳/۶۸، ۶۶/۸۶ و ۷۰/۲ درصد افزایش معنی دار یافت. همانگونه که مشاهده می‌شود، کاربرد قارچ در تیمار کمپوست زباله شهری سبب افزایش درصد کلونیزاسیون ریشه به میزان ۹/۳ برابر نسبت به تیمار بدون قارچ شده است. کاربرد قارچ در تیمار کود گوسفندی سبب افزایش درصد کلونیزاسیون ریشه به میزان ۸/۵۲ برابر نسبت به تیمار بدون قارچ شده است. مقایسه میانگین‌ها در تمام تیمارها نشان می‌دهد که میانگین درصد کلونیزاسیون ریشه از ۸/۴۰ درصد در نمونه بدون قارچ به ۷۵/۳۱ درصد در نمونه حاوی قارچ رسیده که افزایش معنی دار

سپاسگزاری

کمک‌های بی‌دریغ و دلسوزانه ایشان نقش به‌سزایی در ارائه این تحقیق داشته سپاسگزاری می‌نمایم.

از اساتید گرانقدرم در بخش علوم خاک دانشگاه شیراز که در طول مدت انجام این تحقیق از ایشان بسیار آموختم و

منابع مورد استفاده

۱. رضایی نژاد، ی. و م. افیونی. ۱۳۷۹. اثر مواد آلی بر خواص شیمیایی خاک، جذب عناصر به وسیله ذرت و عملکرد آن. مجله علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی ۴(۴): ۱۹-۲۹.
۲. رحیمی، ق. ۱۳۷۱. مطالعه اثرات کود کمپوست بر شوری و آلودگی خاک و مقدار جذب عناصر سنگین توسط گیاه ذرت از خاک‌های حاوی کود کمپوست. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه خاک‌شناسی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان.
۳. گلچین، ا.، م. اسماعیلی و م. ج. ملکوتی. ۱۳۷۹. تأثیر مواد آلی، منگنز و مس بر عملکرد و کیفیت گندم آبی در استان‌های سردسیر کشور. مجموعه مقالات تغذیه متعادل گندم، نشر آموزش کشاورزی، کرج، صفحات ۲۸۷-۳۰۱.
۴. میر انصاری مهابادی، م. ر.، ح. بهرامی، ف. رجالی و م. ج. ملکوتی. ۱۳۸۵. بررسی تأثیر قارچ‌های میکوریز آربسکولار بر جذب عناصر غذایی و عملکرد ذرت در شرایط تراکم خاک. مجله علوم خاک و آب ۲۰(۱): ۱۰۶-۱۲۱.
5. Baruzzini, L. and F. Delzan. 1992. Soil fertility improvement and pollution risks from the use of compost referred to N, P, K and C balance. Soil International Symposium on Compost Recycling of Wastes, Athens, Greece, 4-7 October 1989, Acta Hort. 302: 51-62.
6. Brouwer, J. and J.M. Poewll. 1998. Increasing nutrient use efficiency in west African agriculture: The impact of micro-topography on nutrient leaching from cattle and sheep manure. Agric. Ecosys. Environ. 71: 229-239.
7. Caris, C., W. Hordt, H.J. Hawkins, V. Romhel and G. Eckhard. 1998. Studies of iron transport by arbuscular mycorrhiza hyphs from soil to peanut and sorghum plants. Mycorrhiza 8: 35-39.
8. Chen, J.H. and A. Stanley. 1999. Effects of liming and adding phosphate on predicted phosphorous uptake by maize on acid soil of three soil orders. Soil Sci. 150: 844-850.
9. Chen, B., P. Chrisite and X. Li. 2001. A modified glass bead compartment cultivation system for studies on nutrient and trace metal uptake by arbuscular mycorrhiza. Chemosphere 42: 185-192.
10. Clark, R.B. and S.K. Zeto. 1996. Mineral acquisition by mycorrhiza maize grown on acid and alkaline soil. Soil Biol. Biochem. 28: 1495-1503.
11. Clark, R.B. and S.K. Zeto. 2000. Mineral acquisition by arbuscular mycorrhizal plants. J. Plant Nutr. 23: 902-867.
12. Faber, B.A., R.J. Zasoski, R.G. Burau and K. Uriu. 1990. Zinc uptake by corn affected by vesicular-arbuscular mycorrhizae. Plant Soil 129: 121-130.
13. Gupta, V.K. and B.S. Patalia. 1993. Nutrition of maize as influenced by zinc and nitrogen carriers. J. Indian Soc. Soil Sci. 41: 190-191.
14. Hangin, J. and B. Toker. 1982. Fertilization of Dryland and Irrigated Soils. Springer Verlag, New York, 186 p.
15. Ishizuka, J. 1992. Trends in biological nitrogen fixation research and application. Plant Soil 141: 197-209.
16. Jeyabal, A. and G. Kuppaswamy. 2001. Recycling of organic wastes for the production of vermicompost and its response in rice-legume cropping system and soil fertility. Eur. J. Agron. 15: 153-170.
17. Kabata-pendias, A. 2006. Trace Elements in Soils and Plants. 3rd ed., CRC Press, Boca Raton, FL.
18. Khoshgoftarmanesh, A.H. and M. Kalbasi. 2000. Effect of municipal waste leachate on soil properties and growth and yield of rice. Commun. Soil Sci. Plant Anal. 33: 2011-2020.
19. Koromanik, P.P. and A.C. McGraw. 1982. Quantification of vesicular-arbuscular mycorrhizae in plant roots. PP. 36-37. In: Schenck, N.C. (Ed.). Methods and Principles of Mycorrhizal Research, American Phyto Pathological Society.
20. Mancuso, S. and E. Rinaldelli. 1996. Response of young mycorrhizal and non- mycorrhizal plants of olive tree (*Olea europaea* L.) to saline conditions. II. Dynamics of electrical impedance parameters of shoots and leaves. Adv. Hort. Sci. 10: 135-145.
21. Mangel, K. and E.A. Kirkby. 2001. Principles of Plant Nutrition. 5th Ed., International Potash Institute, Bern, Switzerland.

22. Marshner, H. 1986. Mineral Nutrition of Higher Plants. Academic Press, Inc., New York, 674 p.
23. Mohammad, M.J., W.L. Pan and A.C. Kennedy. 2005. Chemical alteration of the rhizosphere of the mycorrhizal-colonized wheat root. *Mycorrhiza* 15: 259-266.
24. Nayyar, V.K. and R.L. Bansal. 1988. Chemical pools of Zn, Pb and Cd in a polluted soil. ILZIC Silver Jubilee Conf., New Delhi, pp. 561-566.
25. Pavlikova, D., M. Pavlic, J. Szakova, S. Vasickova, P. Tlustos and J. Balik. 2002. The effect of Cd and Zn contents in plants on Fe binding into organic substances of spinach biomass. *Rostlinna Vyroba* 48(12): 531-535.
26. Patel, G.R., and R.T. Dangarwalo. 1983. Effect of varying Zn and Fe status on the utilization of Fe, Mn and Zn by rice. *Indian J. Agric. Chem.* 16: 139-145.
27. Rashid, A. and R.L. Fox. 1992. Evaluating internal zinc requirements of grain crops by seed analysis. *Agron. J.* 84: 469-474.
28. Romheld, V. and H. Marschner. 1991. Function of micronutrients in plants. PP. 297-328. *In: Mortvedt, J.J., F.R. Cox, L.M. Schuman and R.M. Welch. (Eds.), Micronutrients in Agriculture, Soil Sci. Soc. Am., Inc., Madison, WI.*
29. Ryan, M.H. and J.F. Angus. 2003. Arbuscular mycorrhizae in wheat and field pea crops on a low P soil: Increased Zn-uptake but no increase in P-uptake or yield. *Plant Soil* 250: 225-239.
30. Sakal, R., H. Sinha, A.P. Singh and K.N. Thakur. 1981. Response of wheat to zinc, copper and manganese in calcareous soils. *J. Indian Soc. Soil Sci.* 29: 385-387.
31. Sharma, J.P. and S.N. Sexena. 1985. Utilization of phosphorus by maize as influenced by various sources of organic matter and applied phosphorus. *Indian Soc. Soil Sci.* 33: 561-567.
32. Sharma, B.D. and S.P. Singh. 1990. Critical zinc levels in relation to growth and development of winter maize in Aridisols. *J. Indian Soc. Soil Sci.* 38: 89-92.
33. Singh, J.P., R.E. Karamanos and W.B. Stewart. 1986. Phosphorous induced zinc deficiency in wheat on residual phosphorous plots. *Agron. J.* 78: 668-675.
34. Soil Survey Staff. 2003. Keys to Soil Taxonomy. 9th ed., U.S. Government Printing Office, Washington, DC.
35. Srinivasan, K. 1992. Effect of amendment and zinc level on the growth and yield of maize (*Zea mays* L.). *Indian J. Agron.* 37: 246-249.
36. Subramanian, K.S. and C. Charest. 1997. Nutritional, growth, and reproductive responses of maize (*Zea mays* L.) to arbuscular mycorrhizal inoculation during and after drought stress at tasseling. *Mycorrhiza* 7(1): 25-32.
37. Subramanian, K.S. and C. Charest. 1999. Acquisition of N by external hyphae an arbuscular mycorrhizal fungus and impact on physiological responses in maize under drought-stressed and well-watered conditions. *Mycorrhiza* 9: 69-75.
38. Sylvia, D.M. and S.E. Williams. 1992. Vesicula-arbuscular mycorrhizae and environmental stress. PP. 101-124. *In: Bethlenfalvay, G.J. and R.G. Linderman (Eds), Mycorrhizae in Sustainable Agriculture, ASA Special Publication, No. 54, Madison, WI.*
39. Tisdale, S.L., W.L. Nelson and J.D. Beaton. 1985. Soil Fertility and Fertilizers. 4th ed., Macmillan Publishing, New York, 754 p.
40. Turk, M.A., T.A. Assaf, K.M. Hameed and A.M. Al-Tawaha. 2006. Significance of mycorrhizae. *World J. Agric. Sci.* 2(1): 16-20.
41. Zheljzkov, V.D. and P.R. Warman. 2004. Source-separated municipal solid waste compost application to Swiss chard and basil. *J. Environ. Qual.* 33: 542-552.